

## تساوی جنسیتی در اسناد بین المللی با تأکید بر تساوی در اشتغال

■ دکتر میترا حسینیان\*

### چکیده

حقوق زن یکی از مهمترین رشته های حقوق بشر است. به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان بررسی وضعیت حقوقی زنان در هر اجتماع، بهترین شاخص برای سنجش وضعیت حقوق بشر در آن اجتماع است.

بر اساس یک اصل پذیرفته شده، جوامع زمانی به توسعه و پیشرفت می‌رسند که زنان آن پیشرفته و توسعه یافته باشند. موضوع حقوق زن بخشی از کل رشته های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است و از مباحث پر رونق در محافل علمی و اجرایی در سطح ملی و بین المللی شده است.

اندیشه تساوی و برابری زن و مرد به قرن نوزدهم برمی‌گردد. در اصل قرن نوزده آغاز نهضت تساوی و برابری زنان است. البته این بدان معنی نیست که امروزه تمام اشکال تبعیض علیه زنان که به صرف زن بودن با آنها مواجه بوده اند، از میان رفته است. بلکه هنوز هم زنان جهان برای رسیدن به برابری حقوق انسانی خویش با مردان، راه طولانی در پیش دارند. یکی از تبعیضاتی که زنان در حال حاضر نیز با آن روبرویند در زمینه حق اشتغال و داشتن کار است.

کلید واژه ها : تساوی جنسیتی، حقوق زنان، اشتغال زنان، کنوانسیون حقوق زنان

### ۱- مقدمه

مفهوم حق کار و اشتغال با اوج سرمایه داری صنعتی در اواسط قرن هیجدهم مطرح شد. در قانون حقوق بشر که بر اساس حقوق طبیعی و فطری بشر تنظیم یافته بود و پس از رخداد بزرگی چون انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن ۱۸ در آن کشور به تصویب رسید، هیچگونه حق رأی برای زنان در نظر گرفته نشده بود. از این رو گروهی از زنان در اعتراض به بی توجهی به حقوق اولیه خود دست به اعتراض زدند و خواهان حقوقی برابر با مردان شدند.

تا قبل از آغاز قرن ۱۸ زنان نقش مهمی در بازار کار نداشتند و اکثراً فقط در خانه کار می‌کردند. ولی وقوع انقلاب صنعتی باعث شد که زنان از آن به بعد به صورتی فعال در نیروی کار مشارکت داشته باشند.

در اواسط قرن نوزدهم، نهضت برابری زن و مرد شکل گسترده‌تری یافت به طوری که از قرن ۱۹ به بعد، در کنار حقوق فردی به معنای حق سیاسی و مدنی، حقوقی به نام حقوق اجتماعی نیز مطرح گردید.

در سال ۱۸۷۸، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق زنان توسط لئون ریشیه<sup>۱</sup>، یکی از بنیانگذاران جنبش برابری حقوق زن و مرد، در فرانسه تشکیل شد. در طیعه قرن بیستم جنبش زنان بیش از گذشته رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و به موفقیت‌هایی دست یافت. زنان انگلیسی در سال ۱۹۱۸ و زنان آمریکایی در سال ۱۹۲۰ موفق به کسب حق رأی شدند.

با پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل و توجه روز افزون به حقوق زنان، رفع تبعیض از آنان سرلوحه کار سازمان مزبور قرار گرفت و زنان جهان به تلاش روزافزون برای تغییر و تحول فرهنگ‌های سنتی جوامع خود پرداختند.

این کوششها باعث شد تا مسأله‌ای تحت عنوان دفاع از حقوق زن در یک قالب جهانی مطرح و در ابعاد مختلف در اسناد بین‌المللی به صورت اعلامیه، مقاوله نامه و نیز در کنوانسیونهای مختلف، جای خود را باز کند.

تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمانهای بین‌المللی، مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند و دفاتر، ادارات و حتی در بعضی از کشورها، وزارت خانه خاصی جهت بررسی به این امور تخصیص داده شد. از سال ۱۹۸۱، انتشار مقالات و کتابهای مربوط به زنان در امور توسعه به سرعت افزایش یافت. اگر چه اندیشه «حق اشتغال»<sup>۲</sup> در ابتدا در کشور فرانسه مطرح شد لکن در آن کشور محصور نماند چنانچه امروزه این حق از سوی اغلب کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است به طوری که اغلب قوانین اساسی کشورها علاوه بر شناسایی و پذیرش این حق، به تأمین و تضمین آن از سوی دولت نیز توجه خاص کرده‌اند.

در بین حقوق انسانی زنان، حق اشتغال به عنوان یکی از مهمترین مسائل آنان در جامعه بشری مطرح می‌شود. حق اشتغال یکی از حقوق بنیادین انسانهاست و به عنوان یکی از منابع اقتصادی در افزایش قدرت اقتصادی سهم بسزایی دارد. آنچه مسلم است اینست که میان زنان و مردان در دسترسی به این منبع اقتصادی همانند سایر منابع آن، تفاوت چشمگیری در جوامع وجود دارد.

1 - Leon Rishie

2 - Right to Employment

از آنجا که نیروی کار مردان همیشه و به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی کل تقاضای بازار کار جامعه باشد، بهره‌گیری از نیروی کار بالقوه زنان می‌تواند بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین کند. بنابراین نیروی کار زنان را می‌توان عامل مهمی در توسعه اقتصادی جوامع به شمار می‌رود.

حق اشتغال اگرچه متعلق به همه افراد بشر است ولی برای بهره‌گیری از آن، زنان نسبت به مردان بنا به دلایل مختلف تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ۰۰۰ با مشکلات بیشتری روبرویند.

زنان علاوه بر روبرو بودن با مشکل تقسیم ناعادلانه فرصت‌های شغلی، با تبعیضات فراوانی در شرایط کاری نیز دست به‌گریبانند. ضمن آن که کار بی‌مزد در منزل نیز آنان را دچار فشارهای روحی کرده است.

## ۲- تساوی جنسیتی در اسناد بین‌المللی

تساوی زن و مرد ابتدا در میثاق جامعه ملل (۱۹۱۹)<sup>۳</sup> مطرح شد.

بر اساس بند سوم از اصل ۷ میثاق: «کلیه مشاغل جامعه یا ادارات وابسته به آن و همچنین دبیرخانه را می‌توان بی‌هیچ تبعیضی به مردان یا زنان محول نمود».

همچنین بند الف از اصل ۲۳ میثاق توصیه می‌کند که: «برای کار مردان و زنان و کودکان در قلمرو خویش وضعی عادلانه و مطابق با شأن انسانی پدید آورند».

با تشکیل سازمان ملل متحد و تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد، وضعیت حقوقی زنان ارتقاء پیدا کرد. منشور سازمان ملل متحد<sup>۴</sup> که در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید، اولین معاهده بین‌المللی است که به‌طور مشخص به تساوی زن و مرد اشاره دارد. در مقدمه منشور می‌خوانیم که: «۰۰۰ ما مردم ملل متحد مصمم شدیم به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و به ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق میان زن و مرد ۰۰۰». وفق ماده ۸ منشور نیز: «سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی، با در نظر گرفتن شرط مساوات در ارکان اصلی و فرعی خود، هیچ‌گونه محدودیتی برای استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد».

مهمترین اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد که تأکید بر اصل تساوی و برابری حقوق زن و مرد دارد، عبارتند از:

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

3 - The Covenant of the League of Nations, 1919.

4 - Charter of the United Nations, 1945.

۳- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۴- اعلامیه تهران

۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

۶- اعلامیه رفع تبعیض از زنان

۷- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۸- کنوانسیون حقوق سیاسی زنان

۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۵</sup>:

توجه به شخصیت انسان و لزوم حمایت از آن در عرصه بین‌المللی، منجر به صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ شد. این اعلامیه از نخستین اسناد مصوب سازمان ملل به شمار می‌رود که مسایل مربوط به کار درخور انسان و حقوق آن را مورد توجه قرار داده است. در اعلامیه مزبور اصل تساوی زن و مرد به رسمیت شناخته شده است:

ماده ۱: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».

ماده ۲: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.»

ماده ۲۳: «هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ۰۰۰ همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند ۰۰۰».

با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل مواد کلی و عمومی بود لذا نیاز مواد آن به تفسیر باعث شد تا کمیسیون حقوق بشر برای تبیین مواد اشاره شده دو میثاق بین‌المللی را به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل برساند:

الف - میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی<sup>۶</sup>

میثاق مذکور در ارتباط با مواردی چون حق انسان به کار کردن، ممنوعیت از تبعیض (از جمله تبعیض جنسیتی) و تساوی حقوق زنان و مردان است. این میثاق شامل یک مقدمه و ۳۱ ماده در تاریخ ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی رسید.

بند ۲ از ماده ۲ میثاق اظهار می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ‌نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان،

5 - Universal Declaration of Human Rights, 1948.

6 - UN Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل یا منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کنند».

و طبق ماده ۲ از همان میثاق: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین کنند.

و بالاخره طبق ماده ۷: «۰۰۰ مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به ویژه این که زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پایین تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشند و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت دارند».

#### ب - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۷</sup>

میثاق فوق مشتمل بر یک مقدمه و ۵۲ ماده در سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی رسید.

میثاق مزبور نیز به تساوی حقوق زنان و مردان و عدم تبعیض جنسیتی، اشاره دارد. بند ۱ از ماده ۲ میثاق یادشده می‌گوید: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب ۰۰۰ یا سایر وضعیت ها محترم شمرده و تضمین بکنند».

ماده ۲۶: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساویند و بدون هیچ گونه تبعیضی، استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و مساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب ۰۰۰ یا هر وضعیت دیگر تضمین کند».

#### ۴ - اعلامیه تهران<sup>۸</sup>

کنفرانس بین المللی حقوق بشر مشهور به اعلامیه تهران به منظور بررسی پیشرفت حاصله در طی ۲۰ سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ در تهران تشکیل شد.

در این سند به رفع تبعیض نسبت به زنان در جهان تأکید و نیز وضعیت تحقیرآمیز زنان را مغایر با اصول منشور ملل متحد و مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرده است. طبق ماده ۱ آن: «واجب است اعضای جامعه جامعه بین المللی، تعهدات رسمی خود را

7 - UN Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

8 - Tehran Declaration, 1968.

به ترویج و تشویق و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر برای همه و بدون هیچ گونه تبعیضی از حیث نژاد و رنگ و جنس و زبان و مذهب و عقاید سیاسی و سایر عقاید انجام دهند.

ماده ۱۵ بیانیه تهران اعلام می‌دارد: «تبعیضی که هنوز زنان نقاط مختلف جهان به آن دچارند باید از میان برداشته شود. قائل شدن به وضع اجتماعی پست تر برای زنان، خلاف مدلول منشور ملل متحد و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. برای پیشرفت کردن و توسعه یافتن، لازم است که مفاد اعلامیه مربوط به از میان بردن هر گونه تبعیض علیه زنان، کاملاً اجرا شود.

### ۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر<sup>۹</sup>

اعلامیه اسلامی حقوق بشر در سال ۱۹۹۰ میلادی در قاهره تصویب شد. دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با اعتقاد به یکتایی خدا و تصدیق پیامبری حضرت محمد (ص) و با ایمان به دستورات دین اسلام، ضمن اینکه انسان را خلیفه الهی در روی زمین می‌دانند از اسلام به عنوان دین کاملی که دارای تمام احکام و دستورات مطابق با غرایز، طبیعت و شأن انسانهاست، نام می‌برند. بر اساس ماده ۱ از اعلامیه مزبور: «... همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤلیت با هم برابرند بدون هیچگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و ...».

همچنین بر اساس ماده ۶ از همان اعلامیه: «از جهت کرامت انسانی، زن و مرد با هم برابرند و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز برخوردار است ...».

### ۶- اعلامیه رفع تبعیض از زنان<sup>۱۰</sup>

اعلامیه فوق توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۶۷ به تصویب رسید. مشتمل بر ۱۱ ماده و کلیه مواد آن مربوط به حقوق زنان است. وفق ماده ۱ اعلامیه رفع تبعیض از زنان: «تبعیضاتی که متکی به جنسیت باشد و بالنتیجه مانع برقراری حقوق متساوی برای زنان و مردان شود و یا این تساوی را محدود کند، امری است غیرعادلانه و تجاوزی است که به حریم شأن و مقام انسانیت وارد می‌شود».

ماده ۲ اعلامیه نیز در این خصوص می‌گوید: «کلیه تدابیر و اقدامات لازم جهت پرورش

9 - Universal Islamic Declaration on Human Rights, 1990.

10 - Declaration on the Elimination of Discrimination Against Women, 1976.

افکار همگانی و سوق دادن آمال ملی در طریق ریشه کن کردن تبعیضات، امحاء عرف و عادات و کلیه رسومی که موجب تحقیر زن می شود، بایستی اتخاذ شود».

بر اساس ماده ۱۰ از همان اعلامیه: کلیه اقدامات لازم به منظور تأمین حقوقی نظیر حقوق مردان جهت زنان اعم از مجرد و متأهل در زمینه حیات اقتصادی و اجتماعی بالاخص در موارد ذیل باید به عمل آید:

الف) تأمین حقوق زنان بدون هیچگونه تبعیض به علت وضع ازدواج و یا علل دیگر، فرا گرفتن تعلیمات حرفه ای، کارکردن با حق انتخاب آزاد حرفه و شغل و بالاخره حق پیشرفت در زمینه حرفه و شغل.

ب) حق استفاده از دستمزد مساوی با دستمزد مردان و رفتار مساوی در زمینه کاری که دارای ارزش مساوی است.

ج) حق استفاده از مرخصی با حقوق و حق استفاده از مزایای بازنشستگی و مزایای مربوط به دوره بیکاری، بیماری و پیری و سایر موارد ناشی از عدم توانایی در انجام کار.

د) حق دریافت فوق العاده تاهل معادل آنچه مردان دریافت می دارند.

ماده ۱۱: تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد، اجرای کامل آن را در کلیه کشورها با توجه به اصول منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاب می کند. بدین منظور به کلیه دولت‌ها، سازمانهای غیر دولتی و افراد تأکید می شود که با تمام نیرو و امکاناتی که در دسترس دارند در تحقق بخشیدن به اصول مندرج در این اعلامیه بکوشند».

## ۷- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۱۱</sup>

جامع ترین سند بین المللی که اعمال تبعیضات علیه زنان را به هر شکلی محکوم کرده و حاوی تمام اصول مربوط به حقوق شغلی زنان است، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب سال ۱۹۷۹ سازمان ملل است. اکثر کشورهای عضو، به این کنوانسیون، ولو به صورت مشروط، ملحق شده اند و برخی نیز چون ایران، تاکنون از پیوستن به آن اجتناب کرده اند.

کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است که در شش بخش تنظیم شده است.

ماده ۱ از این کنوانسیون به تعریف اصطلاح «تبعیض علیه زنان» می پردازد: «از نظر این کنوانسیون عبارت «تبعیض علیه زنان» به هر گونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن بالغو شناسایی، بهره مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

11 - UN Covenant on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDW), 1979.

فرهنگی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان، صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می‌شود».

ماده ۲ از کنوانسیون یادشده اظهار می‌دارد: «دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم و موافقت می‌کنند که بدون درنگ سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال کرده و بدین منظور موارد ذیل را متعهد می‌شوند: الف) گنجانیدن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط به هر کشور، چنان‌که تاکنون منظور نشده باشد و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر.

ب) تصویب قوانین مناسب یا اقدامات دیگر از جمله مجازات در صورت اقتضاء، به منظور رفع تبعیض از زنان.

ج) برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز، از طریق مراجع قضایی ذی صلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی.

د) خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی.

ه) اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان یا شرکت‌های خصوصی.

و) اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا نسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش‌های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیزند.

ز) نسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود».

عدم تبعیض میان زنان و مردان در بهره‌گیری از حق اشتغال، یکی از مباحث مهمی است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۱۱ این کنوانسیون اختصاصاً به حقوق شغلی زنان دارد: «دولت‌های عضو، کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها به ویژه در موارد زیر تضمین شود:

الف) حق اشتغال به کار به عنوان حق جدایی‌ناپذیر تمام افراد بشر.

ب) حق استفاده از فرصت‌های استخدامی یکسان از جمله اعمال ضوابط یکسان برای انتخاب در موضوعات استخدام.

ج) حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقای مقام، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره‌های آموزش حرفه



ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره های آموزش حرفه ای پیشرفته و آموزش مرحله ای.

ه) حق استفاده از بیمه های اجتماعی به ویژه در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری در سایر موارد از کار افتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی.

و) حق برخورداری از حمایت های بهداشتی و ایمنی شرایط کار. در بند ۲ از همین ماده به حقوق زنان باردار، وضع اخراج به دلیل بارداری یا زایمان و تبعیض در اخراج به دلیل وضعیت ناشی از ازدواج و برقراری مرخصی های با استفاده از حقوق و تضمین حق بازگشت به کار سابق و سایر مزایای اجتماعی جهت همیاری مادران، اشاره شده است.

#### ۸- کنوانسیون حقوق سیاسی زنان<sup>۱۲</sup>

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان در تاریخ ۱۹۵۲ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۱ ماده به منظور اجرای اصل مساوات حقوق زنان و مردان در بهره مندی و اعمال حقوق سیاسی تصویب شد.

و فوق ماده ۱ از این کنوانسیون: «زنان محق خواهند بود که در تمام انتخابات در شرایطی برابر با مردان بدون هیچ تبعیضی رأی دهند».

برابر ماده ۲: «زنان صلاحیت انتخاب شدن برای تمام هیأت های منتخب عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند، در شرایطی برابر با مردان بدون هیچ تبعیضی را خواهند داشت».

و بالاخره ماده ۳ آن می گوید: «زنان صلاحیت تصدی سمت های عمومی و ایفای تمام وظایف عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند در شرایطی برابر با مردان، بدون هیچ تبعیضی را خواهند داشت».

#### ۹- کنفرانس های جهانی زن

از اقدامات مهم سازمان ملل متحد بمنظور رفع تبعیض جنسیتی، تشکیل کنفرانس های مختلف در سطح بین المللی و جهانی برای شناسایی حقوق زنان است که غالباً مورد استقبال کشورهای جهان قرار می گیرد و برای پیشبرد حقوق زنان مؤثر واقع شده است. در ادامه به اهم این کنفرانسها اشاره ای مختصر می شود:

##### ۹-۱ کنفرانس جهانی زن مکزیکوسیتی

اولین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۷۵ در مکزیکوسیتی با شرکت ۱۲۳ کشور جهان و

۱۵ سازمان تخصصی و ۷ جنبش آزادیبخش تشکیل شد. سال ۱۹۷۵ سال بین‌المللی زن نام گرفت. در این کنفرانس ضمن صدور یک اعلامیه در زمینه تساوی مردان و زنان، طرح اقدام جهانی برای مشارکت زنان در توسعه و صلح به تصویب رسید و نیز حمایت از اشتغال زنان به عنوان یکی از مباحث این کنفرانس مطرح شد.

#### ۹-۲ کنفرانس جهانی زن کپنهاک

دومین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۸۰ میلادی در کپنهاک برگزار شد. کنفرانس مذکور با تأکید خاص بر "اشتغال، بهداشت و آموزش" از دولتها خواست و سایل مشارکت کامل و مساوی زنان در پیشرفت را از طریق سهیم کردن زنان در تصمیم‌گیریها در کلیه مراحل و سطوح فراهم کنند و در زمینه اشتغال نیز از دولتها می‌خواهد که در رابطه با فرصتهای شغلی و تضمین رفتار مساوی، گامهای مناسبی بردارد.

#### ۹-۳ کنفرانس جهانی زن نایروبی

سومین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۸۵ در نایروبی با پیگیری شعار "دهه زن: برابری، توسعه و صلح" برگزار شد.

مهمترین اقدامات در زمینه تساوی در سطح ملی مطابق استراتژیهای آینده‌نگر کنفرانس نایروبی برای پیشرفت زنان عبارتند از:

(الف) گنجاندن اصل تساوی در قانون اساسی و دیگر قوانین.

(ب) تساوی در مشارکت اجتماعی.

(ج) تساوی در مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری.

#### ۹-۴ کنفرانس جهانی زن پکن

چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵ میلادی در پکن تحت عنوان "کار پایه عمل" برگزار شد. کنفرانس مذکور با اذعان به نابرابری زنان و مردان در زمینه‌های مختلف شغلی، اهدافی استراتژیک را به منظور بهبود وضعیت و وضعیت اقتصادی زنان و ارتقاء حقوق شغلی آنان مقرر داشت و بر ضرورت انجام اقدامات ذیل برای دستیابی به این مهم، صحنه گذاشت:

(الف) ارتقاء حقوق و استقلال زنان از جمله دسترسی آنها به اشتغال با شرایط مناسب.

(ب) تسهیل دسترسی برابر زنان به منابع، اشتغال، بازارها و تجارت.

(ج) تقویت توان اقتصادی و شبکه‌های بازرگانی زنان و امحای جداسازی شغلی و جمع‌شده صورت تبعیض در اشتغال.

(د) تأمین خدمات تجاری، پرورش و دسترسی به بازارها، اطلاعات و تکنولوژی.

(ه) اعمال جداسازی شغلی و جمیع صورت تبعیض در اشتغال.

۱۰- سازمان بین المللی کار<sup>۱۴</sup>

سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۱۹ که هنوز سازمان ملل تأسیس نشده بود با الهام از ماده ۲۳ میثاق جامعه ملل تأسیس شد.

بر اساس اصل ۲۲ از این میثاق: «۰۰۰ برای کار مردان و زنان در قلمرو خویش وضعی عادلانه و مطابق با شأن انسانی پدید آید ۰۰۰ اعضای جامعه ملل متعهد می شوند شرایط کار عادلانه و مناسب فراهم آورند و برای رسیدن به این هدف، سازمانهای تخصصی ذی ربط تأسیس شوند». از مهمترین اهداف سازمان بین المللی کار، مبارزه با هر گونه تبعیض در استخدام و بهره گیری از حق اشتغال بوده و در این رابطه کنوانسیونهای متعددی تصویب کرده است.

کنوانسیون شماره ۱۰۰ در سال ۱۹۵۱ به تصویب رسید و مفاد آن مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و مرد در قبال کار هم ارزش و مساوی است.

کنوانسیون شماره ۱۱۱ نیز در مورد تبعیض در امور استخدام و اشتغال در سال ۱۹۵۸ تصویب شد.

ماده یک کنوانسیون فوق، تبعیض در اشتغال و تبعیض جنسیتی را تعریف می کند. ماده دوم آن، از دولتهای عضو می خواهد که تمام سعی و تلاش خود را برای از بین بردن این تبعیضات انجام دهند و ماده سوم خواهان آنست که دولتهای عضو، سیاست اجرای عدم تبعیض را اعمال و قوانین و مقررات مخالف با سیاست عدم تبعیض را لغو کنند.

کنوانسیون شماره ۱۲۲ در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید و مفاد آن راجع به سیاست و اشتغال است. ماده یک کنوانسیون دولتهای عضو را تکلیف می کند که سیاست فعال در زمینه ایجاد اشتغال کامل و مولد اتخاذ و اعمال کنند. این سیاست ها باید به گونه ای اعمال شوند که برای کلیه افراد جویای کار، امکان اشتغال تضمین و از طرفی آزادی آنان در انتخاب شغل تأمین شود.

مفاد توصیه نامه شماره ۱۲۲ که در سال ۱۹۶۵ به تصویب رسید، مربوط به اشتغال زنانی است که دارای مسئولیت خانوادگی اند. آنان (زنان) باید بتوانند بدون هیچ گونه تبعیض در بیرون از منزل و مطابق با اصول مقرر در کنوانسیون شماره ۱۱۱ (تبعیض در امور استخدام و اشتغال) کار کنند و دولتها تسهیلات و نهادهایی برای حمایت از آنان ایجاد کنند تا بتوانند هم وظایف خانواده و هم وظایف ناشی از شغل و مسئولیت اجتماعی خویش را انجام دهند. کنوانسیون شماره ۱۴۲ در سال ۱۹۷۵ تصویب شد و مربوط به راهنمایی و آموزش حرفه ای در توسعه منابع انسانی است. در این کنوانسیون، تساوی زن و مرد در برخورداری از آموزش حرفه ای و کسب تأمین های شغلی بر اساس منافع خود و بر طبق تمایل خویش و با در نظر گرفتن نیازهای جامعه، مورد پیش بینی قرار گرفته است.

گذشته از مواردی که فوقاً شرح آنها گذشت، مقاله نامه ها و توصیه نامه های متعدد

دیگری در جهت حمایت از مادران در دوران بارداری (و بعد از زایمان) تصویب شده است.

### ۱۱- نتیجه

با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر که تساوی و برابری زن و مرد را یکی از اساسی‌ترین اهداف خود در نظر گرفته و با عنایت به کنوانسیونهای متعدد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها در زمینه تساوی و برابری و حمایتها و توصیه نامه‌ها، متأسفانه هنوز در جهان، تبعیض جنسیتی در تمام زمینه‌ها بخصوص اشتغال مشاهده می‌شود. اگرچه کنوانسیونهای بین‌المللی در تفهیم و تنویر افکار عمومی بسیار موثر و قطعاً مقدمه‌ای بر تغییر باورهای غلط و اندیشه‌های جاهلی که به صورت فرهنگ عامه مردم در طی قرون و اعصار وجود داشته، بوده است ولی به نظر می‌رسد که تا فرهنگ و فهم برابری ارزش انسانها حاکم نشود و این باور در وجود ملتها و دولتها رخنه نکند و از طرف دیگر زنان هویت اصلی و شأن و منزلت خود را نشناسند و در جهت ارتقاء و پیشرفت خود گام برندارند، تصویب کنوانسیونهای بین‌المللی نمی‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. به هر حال این کنوانسیونها زمانی مؤثرند که احکام آنها علاوه بر این که به باور عمومی نشینند، دارای ضمانت اجرای مؤثری باشند و دولتها نیز از نکات مثبت و مفید آن در قوانین داخلی خود استفاده کنند.

### منابع

- 1- Anand, A.S., Justice for Women, New Delhi, Universal Law Publishing (2002).
- 2- Anker, Richard, Gender of Jobs J Sex Segregation of Occupation iv World, ILO Publications, Geneva (1998).
- 3- De, D.J., Interpretation and Enforcement of Fundamental Rights, Lucknow, Eastern Law House (2000).
- 4- Donnelly, E.G.J., The Concept of Human Rights, London, Kulwar Ltd., (1985).
- 5- Growth of Labour Law at the United States, Published by the US Dept. of Labour (1868).
- 6- Hevener, N., International Law and the States of Women, Boulder, Co., Westview Press (1983).
- 7- Covenant of the League of Nations, 1919.
- 8- Charter of the United Nations, 1945.
- 9- Convention on the Political Rights of Women, 1952.
- 10- UN Covenant on Civil & Political Rights, 1966.
- 11- UN Covenant on Economic, Social & Cultural Rights, 1966.
- 12- Declaration on the Elimination of Discrimination Against Women, 1967.
- 13- World Conference on Women, Mexico City, 1975
- 14- World Conference on Women, Copenhagen, 1980.
- 15- World Conference on Women, Nairobi, 1985.
- 16- World Conference on Women,, Beijing, 1995.
- 17- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, 1979.